

دلم همچون قلم آمد در انگشتان دلداری	که امشب می‌نویسد زی نویسد باز فردا ری
قلم را هم تراشد او رقاع و نسخ و غیر آن	قلم گوید که تسلیم تو دانی من کیم باری
گهی رویش سیه دارد گهی در موی خود مالد	گه او را سرنگون دارد گهی سازد بدو کاری
به یک رقعه جهانی را قلم بکشد کند بی سر	به یک رقعه قرآنی را رهاند از بلا آری
کر و فر قلم باشد به قدر حرمت کاتب	اگر در دست سلطانی اگر در کف سالاری
سرش را می‌شکافد او برای آنچه او داند	که جالینوس به داند صلاح حال بیماری
نیارد آن قلم گفتن به عقل خویش تحسینی	نداند آن قلم کردن به طبع خویش انکاری
اگر او را قلم خوانم و اگر او را علم خوانم	در او هوش است و بی هوشی زهی بی هوش هشیاری
نگنجد در خرد وصفش که او را جمع ضدین است	چه بی ترکیب ترکیبی عجب مجبور مختاری

دیوان شمس - غزل شماره ۲۵۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم
« ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ »
سوگند به قلم و آنچه که می‌نویسند

موسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران به عنوان تنها مرکز دانشگاهی جمعیت هلال احمر با هدف انجام پژوهش‌ها و آموزش‌های مختلف اعم از آکادمیک، سازمانی و شغلی، همگانی، تخصصی، و برون سازمانی با قریب به سی سال فعالیت مستمر، در ادامه ی رسالت سازمانی خود، به منظور قوام بخشیدن به دانش و مهارت، و ارتقاء سطح دانش علمی و مهارتی اساتید، مدرسان علمی کاربردی استان‌ها، کارکنان و کارشناسان حوزه های برنامه ریزی ستادی و عملیاتی، و مربیان امداد و نجات جمعیت هلال احمر طراحی تحت نام طرح قوام را طراحی و راه اندازی نموده که دارای بخش های گوناگونی ست که نخستین بخش آن، طراحی صفحه «قلم روز» در سایت موسسه و در سامانه ی خادم به منظور جامعه عمل پوشاندن به این امر خطیر است تا مطالب آموزشی و علمی به روز و کارآمد را با اتکا به آخرین رفرنس‌ها و منابع معتبر دنیا و بهره گیری از اطلاعات و دانش بهترین مدرسان خبره، در نوشتاری کوتاه اما مفید و کاربردی، در اختیار مخاطبین فوق قرار دهد.

کلیه مطالب در قسمت آرشیو این بخش ذخیره خواهد شد و قابل دسترس همگان خواهد بود

از شما استاد و فرهیخته ی گرامی نیز درخواست می‌شود با ارسال نظرات، پیشنهادات سازنده و متون و مطالب کاربردی و ارزشمندتان با ذکر منابع و مأخذ، به آدرس Ghavam@helal_uast.ac.ir یاریگر ما در این راه باشید.

قلم چیست؟

قلم زبان و بیان عقل و معرفت انسانهاست. قلم بیان‌کننده فکر و اندیشه و شخصیت صاحب قلم است. قلم زبان دوم انسانهاست. قلم بیانگر فکر و فرهنگ و هویت ملتهاست. قلم ترسیم‌کننده خطوط فکری و سیاسی و اجتماعی و ادبی ارباب ادب و قلم و معرفت است. قلم انتقال‌دهنده فکر و فرهنگ به نسل‌های حاضر و آینده است. قلم حلقه وصل فرهنگ‌ها و اندیشه‌هاست. قلم ترجمان فکر و هنر و اندیشه است. قلم پرده‌گشای راز آفرینش است. قلم هدایتگر عقلها و مغزهاست. استقامت و استواری ملک و دین و تحقق عیش صالح، به برکت قلم و در سایه‌سار قلم است. قلم است که دعوت‌کننده به حق است. قلم است که مایه نورانیت دل‌ها و جان‌هاست. قلم است که چون از دل سخن گوید و از سر اخلاص به جولان آید بر دلها نشیند.

قلم وسیله تجلی خدا در آفرینش است. قلم مشیت حضرت حق در تصویر و ترسیم و تقدیر عالم است. قلم است که یک کلمه و حکم آن می‌تواند موجب نجات انسان و یا جامعه‌ای شود؛ و در صورت خطا و غلط و منحرف بودن، می‌تواند انسان و یا انسانهایی را گمراه کند.

سخن قلم

آن روز که خداوند مرا آفرید و با دست قدرت خویش، بر سینه «لوح» کشید تا سرنوشت همگان را بر آن صفحه رقم زنم، موقعیت و منزلتم آن چنان بالا رفت که آفریننده همه آفریده‌ها، بر من و آثارم سوگند یاد کرد و فرمود: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛ سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند».

مرحوم علامه طبرسی رحمه‌الله، در تفسیر مجمع البیان، در مورد قلم می‌نویسد: «پایه امور دین و دنیا بر دو چیز است: قلم و شمشیر و شمشیر زیر پوشش قلم قرار دارد».

من که آمدم، حیات معنوی انسان را جانی تازه بخشیدم و در درون جان‌ها، راهی تازه گشودم. با رنگ عشق، هستی را نور باران کردم؛ هر چند این رنگ چون شب، سیاه و ظلمانی بود، ولی میوه‌ای سرخ، به سرخی خورشید به گاه طلوع و غروب داشت و آن میوه سرخ و شیرین، «شهید» بود که شهیدان، میوه درخت توان‌مند قلم‌اند؛ مگر آن سید ابرار و رسول بزرگوار نفرمود که: «مركب سیاه دانشمندان آگاه، برتر از خون شهیدان است»؟

محتوای قلم

سوگند خداوند به «قلم» و «نوشته»، قلم را قداست و نوشتن را حرمت بخشیده است. درخت قلم، اگر ریشه در «تعهد» و «تدین» داشته باشد، میوه‌اش شیرین و ماندگار است. ارزش هر قلم، به «پیام» آن است و عظمت نوشته، به محتوایش. نویسنده متعهد، تک‌تیرانداز میدان نبرد اندیشه‌هاست و برای پیروزی، نیازمند «مهارت»، «دقت»، «هدف‌گیری»، «لحظه‌شناسی» و «سرعت عمل» است.

قلم، رازدار بشر

«قلم»، حافظ علوم و دانش‌ها، پاسدار افکار اندیشمندان، حلقه اتصال فکری عالمان و پُل ارتباطی گذشته و آینده بشر بوده، و حتی ارتباط آسمان و زمین نیز از راه لوح و قلم به دست آمد. «قلم»، انسان‌هایی را که از نظر زمان و مکان جدا از هم زندگی می‌کنند، پیوند می‌دهد؛ گویی همه متفکران بشر را در تمام طول تاریخ و در تمام نقاط زمین، در یک کتابخانه بزرگ، دور هم می‌بینی! در این کتابخانه، سخنان آسمانی و زمینی جمع است، از سقراط گرفته تا ابن‌سینا و معاصرانمان. از قرآن و نهج البلاغه تا اوستا و انجیل.

همه و همه هستند. «قلم»، رازدار بشر و خزانه دار دانش‌ها و جمع‌آوری‌کننده تجربه‌های قرن‌ها و دوران‌هاست و اگر قرآن به آن سوگند یاد می‌کند، به همین دلیل است؛ زیرا همیشه، سوگند به امری بسیار پرارزش و محترم یاد می‌شود. خداوند متعال در قرآن، افزون بر آن که نام سوره‌ای را «قلم» می‌نهد، تا آن‌جا برای این موضوع به ظاهر کوچک اهمیت قایل است که به آن و آن‌چه با آن نوشته می‌شود، سوگند یاد می‌کند. و چه سوگند عجیبی ست! در واقع آن‌چه به آن در این‌جا سوگند یاد شده، ظاهراً موضوعی کم‌اهمیت است؛ یک قطعه نی یا چیزی شبیه به آن و کمی ماده سیاه رنگ، سپس نوشته‌هایی که بر صفحه کاغذ ناچیز رقم زده می‌شود؛ اما در واقع، این قلم، همان چیزی است که سرچشمه پیدایش تمام تمدن‌های انسانی، تکامل دانش‌ها و بیداری اندیشه‌ها به شمار می‌آید.

قلم، منشأ هدایت و آگاهی بشر است تا آن‌جا که زندگی بشر را به دو دوران تقسیم می‌کنند: دوران تاریخ و دوران پیش از تاریخ. دوران تاریخ، از زمانی آغاز می‌شود که خط اختراع و انسان دست به قلم شد و توانست ماجرای زندگی و تجربه‌های خود را بر صفحه‌های کاغذ بنویسد.

اسلام و قلم

دین مبین اسلام، برای قلم و نوشتن، ارزش خاصی قائل است. گاه در کلام حضرت علی علیه السلام می خوانیم که: «عقل نویسنده، در قلم اوست» و گاه از زبان رسول مکرّم اسلام می شنویم که سه صداست که حجابها را پاره می کند و به پیشگاه با عظمت خدا می رسد و یکی از آنها صدای گردش قلم های دانشمندان به هنگام نوشتن است. خداوند متعال در قرآن مجید هم، گاه به قلم و نوشته آن سوگند یاد می کند و گاه، آن را وسیله تعلیم خود برمی شمارد، هر آینه عظمت و بزرگی قلم، این سلاح انسان ساز را بیش تر درک کردیم.

گردش نیش قلم بر صفحه کاغذ است که سرنوشت بشر را رقم می زند. چه عهدنامه ها و صلح نامه ها که ملّتی را ذلیل و کوچک ساخت و چه قلم ها که مردمانی را از زبونی نجات داد.

چشمه قلم

«قلم» چشمه است، آن را خشکانیم. «قلم» چشم است تا قدم از قدم برداریم و پیش پایمان را ببینیم، آن را کور نکنیم. «قلم» عصاست، نه فقط برای پیران که همگان بدان تکیه می کنند. قلم، تنها عصای دست نیست، فرهنگ، اندیشه، تفکر و فرهیختگی، همه بر این عصا تکیه کرده اند، این عصا را نشکنیم. «قلم» زبان است، سخن می گوید، جنبش دارد، حیات قلم را نگیریم. «قلم» مقدّس است. «قلم»، همان وسیله ای است که خداوند با آن تعلیم نمود. پس هشدار که قلم را به خواهش هاما نیا لاییم و بی حرمتش نسازیم؛ چنان چه در کتاب مقدس می خوانیم: «زینهار، تا کلام را به خاطر نان نفروشی و روح را در خدمت جسم درنیاوری... اگر می فروشی، همان به که بازوی خود را، اما قلم را، هرگز!».

جاودانگی با قلم

در فرهنگ اسلامی، مسأله قلم و نویسندگی، از موقعیت و ارزش بسیار والایی برخوردار است. در حدیثی آمده است که نوشته تو، بهترین چیزی است که از تو سخن می گوید؛ یعنی تنها نشانه ای که از تو در روزگاران آینده باقی می ماند و تو را جاودانه می سازد، نوشته ات است. این که در روایات می خوانیم: «دانشمندان، تا دنیا باقی است، در طول زمان جاودانه می مانند» مخصوص عالمان و دانشمندان قلم به دست است که با نوشته های پُر بار و بی بدیل خود، فرهنگ غنی اسلام و بشریت را پُر بارتر ساخته و به انسان سازی، کمک کرده اند

امتیازهای قلم

«قلم» سه امتیاز دارد که در «بیان» آن ها را نمی بینیم:

۱- باقی بودن:

سخن فرار می کند و نوشته باقی است. امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن جالبی می فرماید: «دانش را با نوشتن در بند کنید» تا باقی بماند و از گفتن نرود.

۲- دقیق بودن:

بیان و سخن معمولاً دقیق نیست. اگر قرار بود کتابی که هزار سال پیش نوشته شده، زبانی به ما می رسید و در جایی نوشته نمی شد، هیچ گاه به طور دقیق به ما نمی رسید و در واقع ما کتاب دیگری را پیش روی خود می دیدیم.

۳- عمیق بودن:

مطالب نوشته عمیق و فکر شده است؛ در حالی که به طور معمول سخنان، بدون تأمل گفته می شود و کم محتواست. نویسندگان گاه یک ساعت فکر می کنند و یک خط می نویسند، ولی در سخن نمی توان آن دقت را رعایت کرد.

قلم و شمشیر

در تفسیر مجمع البیان، در مورد قلم نوشته شده است: «پایه امور دین و دنیا بر دو چیز است: قلم و شمشیر و شمشیر زیر پوشش قلم قرار دارد».

گردش نیش قلم بر صفحه کاغذ است که سرنوشت بشر را رقم می‌زند. چه عهدنامه‌ها و صلح نامه‌ها که ملّتی را ذلیل و کوچک ساخت و چه فتواها که مردمانی را از زبونی نجات داد. توجه به عهدنامه‌هایی چون «ترکمان چای» و «گلستان»، در مقابل فتوای تاریخی «ضد تنباکو»ی میرزای شیرازی یا «حکم ارتداد سلمان رشدی» از قلم آن یگانه دوران، اهمیت گردش قلم را بر صفحه سپید کاغذ بیشتر نمایان می‌کند. زور قلم، از توان شمشیر بیش‌تر است. البته باید قلم را به دست صالحان داد و گرنه به قول عارف معروف، شیخ محمود شبستری در منظومه عرفانی گلشن راز:

چون قلم در دست غدّاری بُود	لاجرم منصورُ برداری بُود
چون سفیهان راست این کار و کیا	لازم آید یقتلون الانبیا
سوگند خداوند به «قلم» و «نوشته»، قلم را قداست و نوشتن را حرمت بخشیده است. درخت قلم، اگر ریشه در تعهد داشته باشد،	میوه‌اش شیرین و ماندگار است.

جامعه مطلوب

قلم را نباید به دست ناهلان سپرد. قلم در دست نابخردان که نمی‌دانند چگونه از آن استفاده کنند یا غرض‌ورزان که نمی‌خواهند از آن به شیوه صحیح استفاده کنند، همان تیغ از نیام برکشیده به دست زنگی مست است که لجام گسیخته، کیان جامعه را به مخاطره می‌اندازد. همه نوشته‌ها، اعم از کتاب و مطبوعات، باید در راستای اهداف والا و گهربار تعالی بشریت باشند تا استقرار جامعه و نظام مطلوب و مقبول خاص و مقبول به بیان آن مرشد فرزانه محقق شود:

«جامعه مطلوب اسلامی، جامعه‌ای است که در آن، گنجینه‌های فکر و ذهن انسان‌ها که گران بهاترین ثروت ملّی هر جامعه‌ای است، استخراج و به کار گرفته شود، بی‌سوادی ریشه کن گردد، مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌ها پررونق، مراکز تحقیق فعال و پیشرو، مطبوعات پرمغز و آگاهی‌بخش، دانشمندان و اساتید با نشاط و پرانگیزه و نویسندگان فیض‌بخش باشند»